Arshive of SID

پژوهشنامهٔ بیمه/ سال سی‌ودوم / شمارهٔ ۲/ تابستان ۱۳۹٦/ شماره مسلسل ۱۲٦/ صفحات ۱۰۷ تا ۱۲٦
کد شناسایی دیجیتال(DOI): 10.22056/jir.2017.45094.1672

بررسی مبانی حقوقی بازتوزیع مازاد بیمهٔ تکافل

عباس جلیلی[۱]
حجت‌الله عبدالملکی[۲]
حسن معظمی[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹٤/۰۹/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹

چکیده

نهاد بیمه به منظور افزایش امنیت ذهنی و اطمینان‌خاطر و نیز توزیع عادلانهٔ اثرات سوء مخاطره‌ها، نقش مهمی در بهسازی بستر اقتصادی جامعه فراهم می‌کند. اما دیگر کشورهای مسلمان (اهل سنت) از زمان تزریق این صنعت به اقتصاد اسلامی، با مردود اعلام‌کردن بیمه‌های متعارف، برای جایگزینی بیمه تلاش زیادی کردند. آنها این مسئله را در کنفرانسهای مختلف مورد ارزیابی قرار داده و الگوی تکافل را پیشنهاد دادند. مهم‌ترین عاملی که باعث گرایش هر چه بیشتر مردم کشورهای مختلف به فعالیت در بیمهٔ تکافل شده است مشارکت مردم هم به‌عنوان بیمه‌گذار و هم به‌عنوان بیمه‌گر بوده است که صندوق تکافل را تشکیل می‌دهند که علاوه بر دستیابی به چنین هدفی، بیمه‌گذاران در سود حاصل از سرمایه‌گذاریهای سودآور صندوق تکافل شریک می‌شوند. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، بررسی مجازبودن مشروعیت مازاد و مبنای مشروعیت حقوقی آن است. روش تحقیق حاضر در این پژوهش اسنادی کتابخانه‌ای است که با استنادات و مطالعات انجام‌گرفته سعی بر تحلیل این موضوع داریم که سودی که از فعالیتهای بیمه‌ای نصیب مشارکت‌کنندکان می‌شود بر اساس گنجاندن بیمهٔ تکافل در قالب هبهٔ معوضه و همچنین مادهٔ ۱۰ قانون مدنی، در دیدگاه حقوق جمهوری اسلامی ایران دارای مبنایی شرعی است.

واژگان کلیدی: *بیمهٔ تکافل، مازاد بیمهٔ تکافل، حقوق مدنی.*

---

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه حقوق و الهیات، دانشگاه پیام نور (نویسندهٔ مسئول)، abbas_jalili2002@yahoo.com
۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکدهٔ معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، dr.h.abdolmaleki@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قروه، paeez10000@yahoo.com

www.SID.ir

Arshive of SID

۱. مقدمه

نهاد بیمه به منظور افزایش امنیت ذهنی و اطمینان‌خاطر و نیز توزیع عادلانهٔ اثرات سوء مخاطره‌ها، نقش مهمی در بهسازی بستر اقتصادی جامعه فراهم می‌کند. این نهاد با کاهش زیانهای ناشی از انواع خطرات متداول در عرصه‌های مختلف زندگی و کاهش فقر جبری ناشی از خسارتهای غیرقابل پیش‌بینی، نقش مهمی در تحقق عدالت اقتصادی ایفا می‌کند. همچنین جایگاه این نهاد در تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و اشتغال پایدار، موجب اهمیت آن در تحقق پیشرفت اقتصادی می‌شود. به همین جهت نهاد بیمه از اجزاء بی‌بدیل در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود (توحیدی‌نیا، ۱۳۸٦: ۳۷).

بیمهٔ مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان متولی صنعت بیمه در کشور مأموریت دارد زمینهٔ مناسب را جهت توسعه و ارتقاء کمی و کیفی عملکرد این صنعت فراهم آورد. بدین لحاظ و به جهت راهبرد کلان کشور در پیشرفت دانش بنیان اقتصاد ملی، پژوهشکدهٔ بیمه (وابسته به بیمهٔ مرکزی) با هدف تأمین نیازمندی علمی و توسعهٔ زیرساختهای نرم‌افزاری صنعت بیمه کشور فعالیت می‌کند (توحیدی‌نیا و سیفلو، ۱۳۸۷: ۱۳).

در این تحقیق، سعی ما بر این است که علاوه بر معرفی بیمهٔ تکافل مسئله‌ای که باعث می‌شود که مردم گرایش بیشتری به این نوع بیمه داشته باشند یعنی همان سودی که از فعالیتهای بیمه‌ای نصیب مشارت‌کنندکان در این بیمه می‌شود را مورد ارزیابی قرار داده و به این سؤالات پاسخ دهیم که آیا چنین مازادی در دیدگاه حقوق جمهوری اسلامی ایران دارای مبنایی شرعی است یا خیر؟ اگر مجاز هست بر کدام مبنای شرعی و قانونی است.

۲. روش تحقیق

در این تحقیق تلاش می‌شود تا برای رسیدن به هدف پژوهش که جمع‌بندی نظرات و دیگاه‌های مختلف در ارتباط با این نحو از فعالیتهای بیمه‌ای جدید که در اقتصاد اسلامی

www.SID.ir

Arshive of SID

بروز و نمایان گشته، بتوان به دیدگاه متناسب با شرع و قانون برای بازپرداخت مازاد صندوق تکافل دست یافت. روش تحقیقی که در این تحقیق به کار گرفته می‌شود روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. پژوهشگر با بررسی منابع حقوقی نظریات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران را مورد ارزیابی قرار داده و با بررسی دیدگاه‌ها دربارهٔ دلایل بازتوزیع مازاد، پاسخ سؤالات مطرح‌شده در مسئلهٔ اصلی تحقیق را بررسی می‌کند.

۳. پیشینهٔ تحقیق

۳-۱. تحقیقات داخلی

محمدی‌مهر (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام»، به تبیین ماهیت و اهمیت تعاون و تکافل در جامعه پرداخته و سازوکارهای برخی از الگوهای شرکت تکافل را به صورت کلی آورده است.

توحیدی‌نیا (۱۳۸٦)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تکافل و اهمیت توجه بیشتر به آن در ایران»، به ماهیت تکافل پرداخت و به این نتیجه می‌رسد که اگرچه بیمه‌های رایج در فقه امامیه شرعی است و و پرداختن به جنبه‌های نظری و کاربردی تکافل الزام شرعی ندارد اما برای بهره‌مندشدن از مزایا و موقعیت مناسب این نوع بیمه در کشورهای اسلامی لازم است تکافل مورد توجه جدی‌تر متولیان امر تحقیق و پژوهش و همچنین متولیان امور اجرایی قرار گیرد.

عسگری و اسمعیلی گیوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «صنعت تکافل، ویژگیها، فرصتها و چالشهای پیش رو» به تشریح سازوکارها و وضعیت فعلی شرکتهای تکافل خانواده در جهان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که صنعت بیمهٔ اسلامی با توجه به ویژگیهای منحصربه‌فردش، به‌عنوان صنعتی پر سود به سرعت در حال رشد و فراگیرشدن است.

اسمعیلی گیوی، مهدوی و کاوند (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)» بیان

www.SID.ir

Arshive of SID

می‌دارند که با توجه به اینکه در این صندوق مازاد بر ادعا و و هزینه‌ها به افراد و تکافل‌شوندگان تعلق دارد، نسبت به بیمه‌های رایج به عدالت نزدیکتر است.

۳-۲. تحقیقات خارجی

سهیل جعفر (۲۰۰۷) در کتابش با عنوان «بیمهٔ اسلامی: روندها، فرصت‌ها و آیندهٔ تکافل» به طور ناقص دربارهٔ برخی از الگوهای رایج تکافل بحث کرده است.

لوئیس[1] (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بیمهٔ اسلامی، الگوهای کسب‌وکار، ایرادات شرعی و راهکارهای پیشنهادی»، سازوکار الگوهای عملیاتی تکافل از نظر فقه اهل سنت بررسی شده است.

اختر[2] (۲۰۰۹) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «فرصتهای بالقوهٔ تکافل در پاکستان: الگوی تحول‌آفرین و عملیاتی»، با بررسی وضعیت بازار تکافل در دنیا و مقایسهٔ آن با بیمهٔ رایج به پیش‌بینی میزان موفقیت این صنعت در پاکستان پرداخته است. در بخشی از آن تکافل و بیمهٔ رایج را مقایسه کرده و دربارهٔ الگوهای رایج مورد استفادهٔ شرکتهای تکافل توضیحاتی داده است.

٤. مفهوم تکافل

در کسب‌وکار مدرن امروز «بیمه» راهی برای کاهش ریسک و یا خطرات ناشی از حوادث محسوب می‌شود. مفهوم تکافل یا بیمهٔ اسلامی، در جایی که منابع لازم برای کمک به افراد جمع می‌شود، مخالفتی با شریعت اسلامی ندارد. این مفهوم در راستای اصول جبران خسارت و مسئولیتهای مشترک در میان جامعه است. تکافل کلمه‌ای است مأخوذ از فعل عربی «کفال» به معنای رسیدگی‌کردن (برآورده‌کردن نیاز یک شخص) و بیمهٔ تکافل در واقع جبران خسارتهای ناشی از حوادث و تکمیل نظام بانکی بدون بهره است. این نوع بیمه با بیمه‌های (بیمه‌های بازرگانی رایج) از نظر جبران زیانهای مالی مشابهت زیادی دارد. تکافل مبتنی بر اصل قرآنی تعاون و به معنی

1. Lewis
2. Akhter

www.SID.ir

Arshive of SID

«کمک متقابل و میان گروهی» است و هر عضوی در حمایت از نیازمندان داخل گروه سهم دارد. این نوع بیمه شبیه به «بیمهٔ تعاونی» است. این عملیات بیمه‌ای درست مانند بیمه‌های مشترک است که در سالهای اولیهٔ پیدایش بیمه، نیز استفاده می‌شد حتی امروزه در بین گروهی از افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد (جعفر، ۱۳۸۹: ٦٨). بر اساس نظریهٔ حقوقدانان مسلمان (اهل سنت)، عملیات بیمه‌ای رایج، نوعی معاملهٔ تواتری به صورت خرید و فروش است که با قوانین و الزامات شریعت اسلامی به دلیل دارابودن سه ویژگی مطابقت ندارند:

۱- قرارداد (عدم اطمینان واحتمالی‌بودن)

۲- قمار به موجب وجود قرار در قراردادهای بیمه‌ای، عنصر قمار در این بحث مطرح می‌شود. این مطلب بدان معناست که به دلیل ماهیت احتمالی یک طرف قرارداد به طور ناعادلانه‌ای ممکن می‌شود.

۳- ربا (بهره) (مطهری، ١٣٦٤، ص۲۸۱)

در سال ۱۹۸۵ انجمن فقه اسلامی جده، سیستم تکافل را به‌عنوان یک جایگزین ماندگار برای بیمه به تصویب رساند. قابل ذکر است که مفهوم اصلی تکافل پرداخت حق‌بیمه بر مبنای تبرع (همکاری یا هدیه) است، قصد و نیت برای پرداخت اعانه (پرداخت به صورت هدیه) نو.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفاوتهای تکافل با سایر قراردادها این است که درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری عملیات تکافل طبق شریعت اسلام وحدت می‌شود.

۵. مشروعیت تکافل در فقه امامیه

در خصوص مبنای مشروعیت تکافل در فقه امامیه، این قرارداد عقدی مستقل و جدید (غیرمعین) دانسته می‌شود. برخی از محققان حوزهٔ فقه معتقدند که قرارداد تکافل شامل تعدادی از عقود معین و معهود است که عبارت‌اند از: هبه، مضاربه (در شکل تکافل مضاربه‌ای)، و قرض‌الحسنه. هدف اصلی هر سه عقد، تأمین در مقابل خطرات مالی احتمالی است؛ بنابراین اگرچه در عقد تکافل از این سه نوع عقد استفاده شده است،

www.SID.ir

Arshive of SID

ولی هدف آن با اهداف هر سه عقد به‌تنهایی متفاوت است؛ یعنی این قرارداد با مضاربه که هدف از آن صرفاً رسیدن به سود سرمایه‌گذاری است و هبه که مقصود از آن بخشش مالی بدون عوض به شخص است و قرض که تملیک مال در مقابل بدل آن است، تفاوت دارد. گرچه هدف اصلی تکافل با ترکیب این سه عقد حاصل شده است، ولی با توجه به اهداف خاصی که این شرکتها دنبال می‌کنند، قرارداد تکافل عقد مرکبی است که با مقاصد هیچ‌یک از این عقود به‌تنهایی مطابقت ندارد و به نظر می‌رسد تکافل عقدی جدید باشد. بنابراین لازم است در این قرارداد، متعاقدان از شرایط عمومی از جمله بلوغ، عقل، اختیار، رشد و عدم فلس برخوردار باشند و شرایط خاص قراردادهای مضاربه، هبه و قرض، نیز بر آن حاکم است (آقامهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳٤).

برخی از فقها معتقدند با توجه به عمومیت قاعدهٔ «اوفوا بالعقود» و با وجود شرایط کلی صحت عقد و عدم وجود دلیلی بر نامشروع‌بودن آن، قرارداد تکافل عقدی است مستقل، صحیح و مشروع. در این دیدگاه تکافل قراردادی است بین چند (یا چندین) نفر که بنا بر فرض، همگی آنها اهلیت انعقاد قرارداد مالی (تصرف در مال خود)، قصد و رضای چنین اقدامی را دارند. جهت عقد نیز مشروع است و لذا بنا به حکم آیهٔ اول سورهٔ مائده (ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادهای خود وفا کنید) چنین قراردادی صحیح و مشروع است[۱].

۵-۱. آیا تکافل عقد است؟

«عقد» در لغت، به معنای گره‌زدن، بستن و محکم‌کردن چیزی است. این اصطلاح در زبان شرع به معنای قرارداد و پیمان بستن است و قرآن کریم با جملهٔ «یا ایُّهَا الّذینَ امَنُوا اوْفُوا بِالْعُقُودِ» عمل به پیمانهای صحیح و انسانی را واجب کرده است. منظور

۱. بخشی از مذاکرات شورای فقهی صنعت بیمه (در خصوص امکان لحاظ تکافل به عنوان یک قرارداد مستقل و جدید).

www.SID.ir

Arshive of SID

مرحوم محقق حلی (ره) از «عقود» قراردادهایی است که تحقّق هر کدام از آنها احتیاج به دو طرف (ایجاب و قبول) دارد، بر خلاف «ایقاع» که پیمان یک طرفی است. حال سؤال این است که آیا می‌توان عملیات تکافل را نوعی عقد دانست؟

به‌عنوان پاسخی اجمالی، وجود متعاقدین (طرفین ایجاب و قبول)، مورد عقد و عوضین را می‌توان دلیل بر عقدبودن این عملیات دانست:

الف. طرفین عقد: طرفین یا متعاقدین در قرارداد تکافل، عامل تکافل (بیمه‌گر) و متکافلین (بیمه‌گذاران) هستند. ایجاب در واقع ابراز تمایل و علاقهٔ دارندهٔ ریسک برای پیوستن به «برنامهٔ تقسیم ریسک» و پذیرفتن مسئولیتهایی در قبال آن است. قبول نیز معمولاً از ناحیهٔ بیمه‌گر (شرکت یا صندوق تکافل) در پاسخ به پیشنهاد ارائه‌شده از طرف بیمه‌گذار (متکافل) صورت می‌گیرد (راه‌چمنی، ۱۳۸۷: ٦١).

ب. مورد یا موضوع عقد: موضوع عقد یا معامله در قراردادهای تکافل حسب مورد، گاهی مال است گاهی شخص و گاهی مسؤلیتهای مدنی فرد (ناطق گلستان، ۱۳۸٦: ۳۳).

ج. عوضین عقد: عوضین در این قرارداد، از سوی بیمه‌گذاران پولی است که به‌عنوان نوعی بخشش (هبه) پرداخت می‌کنند و از سوی بیمه‌گر (شرکت یا صندوق تکافل)، تعهد به پرداخت خسارت است. و بیمه‌گر همچنین حق مشارکت در سود مازاد را به بیمه‌گذاران اعطا می‌کند.

درنهایت مسائلی از جمله وجود سه رکن در قرارداد (متکافلین، صندوق و شرکت) و ماهیت صندوق (یا شرکت) و جایگاه آن در قرارداد مذکور (با لحاظ دیگری به‌عنوان طرف قبول در عقد) محل تأمل و قابل مطالعه است. از سوی دیگر مبتنی بر فلسفهٔ تکافل، این مدل در پوشش ریسک روشی مبتنی بر تعاون و همیاری است، بدین معنا که متکافلین با ورود به این عرصه، به توافقی جمعی برای تأمین خسارات متضررین دست می‌زنند (ناطق گلستان، ۱۳۸٦: ۳٤).

www.SID.ir

Arshive of SID

٦. مفهوم مازاد بیمهٔ تکافل

همان‌گونه که گفته شد، در صورتی که صندوق تکافل پس از جبران خسارتهای تعهدشده، ماندهٔ مثبت داشته باشد، این مانده طبق قواعدی بین متکافلین توزیع می‌شود. حتی می‌توان گفت که همین عامل بسیار کلیدی باعث روی‌آوری هرچه بیشتر مردم کشورهای استفاده‌کننده از طرح بیمهٔ تکافل به مباحث بیمه‌ای و درنهایت رشد اقتصادی آن کشور را در پی داشته است. همین بحث تقسیم مازاد بین بیمه‌گذاران، مهم‌ترین عامل تمایز این بیمه با بیمهٔ متعارف است و طبق پیش‌بینی اقتصاددانان اگر این نوع از بیمه با انواع و اشکال مختلف خدماتی، در کشور ما هم اجرایی شود قطعاً بازار بیمه‌ای خیلی بیش از پیش مورد استقبال مردم قرار خواهد گرفت و باعث پیشرفت صنعت بیمه‌ای کشور در سالهای آتی خواهیم بود. در ادامه به دیدگاه کسانی می‌پردازیم که انتقال سود مانده از صندوق تکافل به بیمه‌گذاران را مطابق با موازین شرع ندانسته و آن را مشروع نمی‌دانند.

٦-۱. دیدگاه مخالفان مشروعیت مازاد و پاسخ مستدل به آن

در بحث عدم مشروعیت بازتوزیع مازاد صندوق تکافل، می‌توان دیدگاه کسانی را بیان کرد که با خود اصل بیمه‌های رایج مخالف هستند و آن را کاملاً غیرمشروع و این نوع از معاملات را ربوی می‌دانند. برخی مخالفان با طرح شبهه‌ای و با استناد به نص قرآن کریم در تحریم ربا آن را از ابتدا باطل اعلام می‌کنند. مطابق با نظر مخالفان، ربا به چند شکل در بیمه اتفاق می‌افتد (گفته می‌شود که ربا بیشتر در قراردادهای بیمهٔ عمر رخ می‌دهد). در همهٔ اقسام بیمهٔ عمر بیمه‌گذار حق‌بیمه را می‌پردازد و در پایان مدت قرارداد و محقق‌شدن شرط، بیمه‌گر آن مبلغ اولیه را به اضافهٔ مازاد به بیمه‌گذار برمی‌گرداند که این مازاد همان بهره و رباست (جمالی‌زاده،۱۳۸۰: ٤۱۷). یا در بعضی انواع بیمه بعد از گذشت چند قسط و قبل از اتمام حق‌بیمه با بروز حادثه، بیمه‌گر مبلغی بیشتر از آنچه دریافت کرده بابت خسارت می‌پردازد و این اضافه همان رباست (عرفانی،۱۳۷۱: ۱۰۲). همچنین اگر بیمه‌گذار در پرداخت حق‌بیمه از مدت مقرر تأخیر کند ملزم به پرداخت

www.SID.ir

Arshive of SID

خسارت است. این خسارت تأخیر تأدیه، همان رباست. نیز وقتی شرکت بیمه وجوه دریافتی را که اصطلاحاً ذخایر بیمه‌ای نامیده می‌شود در معاملات ربوی به کار می‌اندازد، اقدام بر این معامله از جانب بیمه‌گذار معاونت بر اثم و مورد نهی خداوند است (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ٤٠٩).

در پاسخ به مطرح‌کنندگان شبههٔ ربا بعضی از علما و حقوقدانان بر این نظرند که این عقیده بر اساس تفسیر موسع از لغت رباست وگرنه معنای دقیق فقهی ربا، بیمه را در بر نمی‌گیرد (عرفانی،۱۳۷۱: ۱۰۵). همچنین دلیل یا مناط حکم بیمه که یک چاره‌جویی اقتصادی و اجتماعی است با ربا که موجب نابرابری و فساد اقتصادی است تفاوت اساسی دارد (ابراهیمی،۱۳۷۵: ۵۵). اینکه بیمهٔ عمر مستلزم ربا باشد قابل رد است، زیرا در آن حق‌بیمه در مقابل تعهد و تضمین بیمه‌گر پرداخت می‌شود و ودیعه یا وام نیست، بلکه در ازای آن تأمین و آرامش خاطر دریافت می‌دارد که ارزش عقلایی و حقوقی دارد و فقهای شیعه برای آن مالیت قائل شده‌اند. پس در قرارداد بیمه، ربا وقتی متصور است که حق‌بیمه را قرض بدانیم (مطهری،۱۳٦۱: ۱۵-۱٦). از سوی دیگر می‌توان گفت اشتغال به امر ربوی امر جانبی قرارداد بوده و جزء ذات عقد بیمه نیست. لذا قبل از آن عقد بیمه مشمول اطلاق «أوفوا بالعقود» است. البته بیمه به‌عنوان یک نهاد مالی همچون بانک در نظام سرمایه‌داری، دارای ضعف مفسده و پتانسیل سوء استفاده است، اما این مسئله از ماهیت حقوقی بیمه منفک است، همچنان که از هر معاملهٔ مشروعی می‌توان سوء استفاده کرد و امکان اینکه نحوهٔ تصرف شرکت بیمه در وجوه جمع‌آوری‌شده، اصلاح شود وجود دارد (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ٤٠٧).

بنابراین این دیدگاه که مازادی را که از طرف صندوق به بیمه‌گذار داده می‌شود مشروع نیست را می‌توان رد کرد چرا که در بیمهٔ تکافل علاوه بر اطمینان خاطری که برای فرد در مدت تعیین‌شده حاصل می شود، بیمه‌گذار می‌تواند از سود حاصل از سرمایه‌گذاری که توسط صندوق صورت می‌پذیرد نیز بهره‌مند شود.

www.SID.ir

Arshive of SID

فرضیهٔ مهمی که ما در این پژوهش به دنبال پاسخی مستدل در ارتباط با آن هستیم، بحث مطرح‌کردن بیمهٔ تکافل در قالب هبهٔ معوض است که با گنجاندن این بیمه در قالب هبهٔ معوض، مسئلهٔ شبههٔ پیرامون مشروعیت فقهی مازاد صندوق بلااشکال مطرح می شود.

بیمهٔ تکافل در قالب هبهٔ معوض: در یک دیدگاه فقهی (دیدگاه آیت‌الله خویی)، تکافل را می‌توان تحت عقد هبهٔ معوض درج کرد. هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک کند. تملیک‌کننده را واهب، طرف دیگر را متهب و مالی را که مورد هبه است، موهوبه می‌گویند. هبه از یک جهت به دو نوع معوض و غیرمعوض تقسیم می‌شود. البته هبه غالباً به صورت غیرمعوض انجام می‌شود، اما بنا بر نظر فقها هبه می‌تواند معوض باشد. این عوض می‌تواند شرط شده باشد و یا غیرمشروط باشد. در هبهٔ معوض مشروط، هر چیزی که طرفین شرط کرده باشند می‌تواند به‌عنوان عوض در نظر گرفته شود. در این صورت ضرورتی ندارد بین ارزش عوض و آنچه هبه شده است هم‌سنگی وجود داشته باشد. همچنین عوض می‌تواند مالی و یا عملی باشد که در مقابل هبهٔ شخص واهب پرداخت یا انجام می‌شود. تأیید این شکل از هبه توسط فقها موجب شده است تا در قانون مدنی ایران نیز ماده‌ای برای آن اختصاص یابد. در مادهٔ ۸۰۱ ق.م آمده است: «هبه می‌تواند معوض باشد و واهب شرط کند که متهب مالی را به او در مقابل هبه تملیک کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد».

برخی از فقها اصولاً بیمه‌های متعارف را ذیل هبهٔ معوض قرار داده‌اند. حضرت آیت‌الله العظمی خویی (ره) در تعریف بیمه می‌فرمایند: «بیمه عبارت از این است که شخص هر سال مبلغی به کسی یا شرکتی بدون عوض داده و در ضمن شرط کند که اگر آسیبی مثلاً به تجارت خانه یا ماشین یا منزل یا خودش برسد آن شرکت یا شخص آن خسارت را جبران یا آسیب را برطرف یا مرض را معالجه کند و این معامله داخل در هبهٔ معوضه است و چنانچه آسیبی وارد شود حسب شرط بر مشروط علیه واجب

www.SID.ir

Arshive of SID

است که از عهده برآید و برای گیرنده اشکالی ندارد ». آیت الله وحید خراسانی نیز معتقد است: «می‌توان عقد بیمه را به‌عنوان هبه به شرط تحمل خسارت احتمالی از جانب بیمه‌کننده انجام داد». در این خصوص آیت‌آلله میرزا جواد تبریزی (ره) می‌فرمایند: «عقد بیمه داخل در هبهٔ مشروطه است». بر همین اساس در دیدگاه درج تکافل ذیل عقد هبهٔ معوضه، عملیات مذکور اینگونه تحلیل می‌شود: «متکافلین مبالغی را (که همان حق مشارکت است) به صندوق تکافل هبه می‌کنند و صندوق تکافل در عوض خسارتهای معینی را (که نوع و میزان آنها در دستورالعملی تعیین و ثبت شده) برای متکافلین جبران می‌کند و این قرارداد مشروع خواهد بود». و به تبع مشروع‌بودن این نوع از عقد بیمه‌ای تکافل، با درنظرگرفتن معوض‌بودن این نوع از عقد، اگر مازادی از سرمایه‌های به‌کارگرفته‌شده در صندوق تکافل عاید این صندوق شود می‌توان طبق ضوابط تعریفی از هبهٔ معوضه این استناد را انجام داد که با توزیع مازاد صندوق تکافل در هبهٔ معوضه مشروعیت داشته و می‌تواند تحت عنوان این عقد قرار بگیرد.

برخی از فقهایی تکافل را تحت عقد هبهٔ معوضه درج کرده‌اند. با این فرض سؤالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به اینکه صندوق تکافل (متهب یا موهوب علیه) یک شخصیت حقوقی است، چنین هبه‌ای (از افراد حقیقی به شخصیت حقوقی) مجاز است یا خیر؟

اجمالاً در شرایط هبه گفته شده است که متهب ممکن است یک نفر یا چند نفر باشند. در صورتی که موهوب علیهم چند نفر باشند و سهم هر کدام در هبه تعیین نشده باشد، به طور مساوی مالک عین موهوبه هستند. اما در خصوص اینکه هبه به شخص حقوقی مجاز است یا خیر، می‌توان به این موضوع با تطبیق آن با نظر فقها در خصوص بیمه مراجعه کرد. با لحاظ اینکه: اولاً) ماهیت بیمه فراتر از آن است که بین دو فرد منعقد شود و هرگز بدون مشارکت تعداد فراوانی از بیمه‌گذاران و توزیع خسارت بر همهٔ آنان محقق نمی‌شود و بر این اساس، جنبهٔ جمعی‌بودن بیمه باید در

www.SID.ir

Arshive of SID

تعریف آن لحاظ شود و از این رهگذر بیمه قراردادی بین اشخاص مختلف حقیقی و حقوقی است و ثانیاً) مبتنی بر نظریهٔ برخی فقها در درج بیمهٔ متعارف ذیل عقد هبهٔ معوضه، هبه به چنین شخصیتی (شخصیت حقوقی) مجاز دانسته شده است، به نظر می‌رسد در تکافل نیز موهوب علیه می‌تواند شخص حقوقی (صندوق تکافل) باشد (عبدالملکی، ۱۳۹۲: ۱٦۷).

۷. مبنای حقوقی مشروعیت مازاد صندوق تکافل

۷-۱. بیمهٔ تکافل در قالب یک عقد جدید بر مبنای ارادهٔ طرفین

در حقوق ایران مبحث عقد و قرارداد از مباحث مهمی است که قواعد آن در قانون مدنی کشور متمرکز شده است. در این قانون، عقد و قرارداد هر دو به یک معنی به کار رفته است، ولی همان‌طور که بررسیهای صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهند تمایز ظریفی نیز بین این دو وجود دارد. در قانون مدنی ایران بر اساس نظریات فقهی کلمهٔ عقد برای تبیین آن دسته از قراردادهایی که در فقه اسلامی به طور خاص و روشن و تحت عنوانهای مشخص ذکر شده‌اند به کار رفته است که از آنها به «عقود معین» یاد می‌شود مانند بیع و اجاره، در حالی که قرارداد به‌عنوان لغتی عام هم گروه اخیر و هم هر نوع عقد دیگری که نام آنها در قانون برده نشده ولی مخالفتی هم با آن ندارد را دربرمی‌گیرد که به آنها «عقود نامعین» نیز می‌گویند. بخش دیگری از قانون مدنی به شروط قراردادی اشاره دارد که از فقه اسلامی سرچشمه گرفته و به طور دسته‌بندی‌شده در قانون مدنی ایران گنجانیده شده است. معنای لغوی شرط عبارت است از قرار، پیمان، عهد، و تعلق امری به امر دیگر. در حقوق شرط عبارت است از تعهدی که شخصی به‌عهده می‌گیرد و در متن قراردادی وارد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷٦: ۱۵۵).

شکی نیست که اراده از جملهٔ مختصات انسان است. رکن اساسی هر قرارداد که اعم از عقد است، ارادهٔ کسانی است که آن را منعقد می‌سازند. به عبارت دیگر اراده مهم‌ترین عامل و یا تنها عامل ایجاد قرارداد به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب کلیهٔ افرادی که

www.SID.ir

Arshive of SID

دارای ارادهٔ صحیح و سلیم باشند، حق دارند به هر ترتیبی که مایلند در زمینهٔ دیون و تعهدات خود توافق کنند، مشروط بر اینکه از چارچوب ضوابط اساسی و امری شرع و قانون خارج نگردند.

اصل حاکمیت اراده

با درنظرگرفتن اصل حاکمیت اراده نتایجی به شرح ذیل می‌توان از این اصل استخراج کرد:

– اراده منشاء اصلی تعهدات ناشی از قرارداد است. بدین بیان که هرگونه تعهد یا التزام و مسئولیتی علی‌الاصول دارای ریشهٔ قراردادی است. در واقع ارادهٔ خالق التزامات و مسئولیتهاست.

– قرارداد حاصل از توافق ارادهٔ متعاقدین، اعتبار و ارزشی معادل اعتبار قانون دارد.

گاه نیز ارزش قرارداد از ارزش بعضی از قوانین که جنبهٔ تفسیری یا تعویضی دارند به‌مراتب بیشتر است، یعنی می‌توان خلاف قوانین تفسیری توافق کرد.

– افراد و اشخاص آزادند که قراردادی را منعقد سازند یا از انعقاد قرارداد خودداری کنند.

– افراد و اشخاص آزادی دارند در وضع مساوی با هم در زمینهٔ شرایط قرارداد مذاکره کنند و حق دارند با رعایت اصول نظم عمومی و اخلاق حسنه محتوی و موضوع قراردادی را مشخص سازند.

– متعاقدین در قراردادهای خود حق دارند بر خلاف قوانین تفسیری یا جانشین توافق کنند و قوانین مذکور را در قرارداد خود نادیده بگیرند.

در بعضی از کشورها از جمله فرانسه، طرفین قرارداد حق دارند در بین قوانین کشورهای مختلف به میل خود قانونی را انتخاب کنند تا بر روابط حاصل از قراردادشان حاکم باشد. دیوان کشور فرانسه هم معتقد است، قانون قابل اجراء در عقود، خواه از جهت ماهیت و آثار و شرایط آن، قانونی است که طرفین انتخاب کرده‌اند. طبق مادهٔ ۹۶۸ قانون

www.SID.ir

Arshive of SID

مدنی ایران، تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگر قرارداده باشند.

– علی‌الاصول قراردادها تابع هیچ‌گونه تشریفاتی نیستند و در اثر توافق صریح یا ضمنی ارادهٔ طرفین قرارداد به‌وجود می‌آیند، اما در موارد بسیار استثنایی، برای ایجاد عمل حقوقی رعایت بعضی تشریفات ضرورت دارد. در حقوق ایران می‌توان ایقاع طلاق را به‌عنوان نمونه مثال زد.

ـ آثار حقوقی ناشی از قراردادها همان آثاری است که در قصد مشترک طرفین قرارداد وارد شده است، چنانچه بین متعاقدین در آثار قرارداد اختلاف به‌وجود آید، قاضی مکلف است قصد مشترک را در بین سطور قرارداد جستجو کند.

– محدودیت آزادی اراده در قراردادها جنبهٔ استثنایی دارد. در صورت تردید در این زمینه و عدم احراز مغایرت مفاد قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه یا قواعد آمدهٔ دیگر، اصل عدم جاری است یعنی اصل، عدم محدودیت اراده و اصل، عدم مغایرت قرارداد منعقده با نظم عمومی و اخلاق حسنه یا قواعد آمره دیگر است.

– استقلال اراده در قراردادها و اصل آزادی قراردادها تأمین‌کنندهٔ عدالت اجتماعی است ولی ممکن است تعادل اقتصاری را به‌همراه نداشته باشد. بنابراین اسقاط کافهٔ خیارات در قرارداد منعقده بلااشکال است، زیرا با توافق طرفین، خیارات حقیقی و فرضی ساقط می‌شود و متضرر از این امر خود، اقدام به ضرر خویش کرده است و بدین ترتیب ضرر وارده، از جمله مظالمی محسوب نمی‌شود که به متضرر تحمیل شده باشد.

۷-۲. ذیل مادهٔ ۱۰ قانون مدنی

الزام به پرداخت ضرر و یا مازاد (سود) ناشی از انجام تعهد امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه و احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. زمانی که فردی متعهد به امری شد اجرای آن وظیفهٔ قانونی، اجتماعی، اخلاقی و حتی دینی او محسوب می‌شود. این امر کاری پسندیده در همهٔ

www.SID.ir

Arshive of SID

جوامع و ملل بوده و تخلف از آن به‌عنوان نوعی خطا و عمل ضد اجتماعی تلقی می‌شود. به همین منظور و برای جلوگیری از این تخلف، غالب کشورها قوانینی وضع می‌کنند. در این قسمت تلاش شده است که به عنایت به اصل آزادی اراده و قراردادها به قوانین و مقررات و مبنای فقهی آن نگاه شده و حداکثر حمایت برای توافق طرفین ارائه شود (کاتوزیان، ۱۳۸٤: ۲۱۵).

مبنای حقوق خصوصی ایران آزادی اراده است. این امر با یک جستجوی سطحی در قوانین مربوط و مبانی فقهی آن قابل ملاحظه است، اگرچه نظارت و کنترل قانونگذار نیز در امور مربوط به نظم عمومی و حاکمیتی و حمایت از اقشار ضعیف بدون توجه نمانده است در حقوق اسلامی از آزادی اراده به «اصل اباحه» تعبیر شده است. یعنی هر امری حلال و آزاد است مگر خلاف آن تصریح شده باشد. قانون مدنی ایران نیز به‌عنوان قانون مادر در حقوق خصوصی کشور، پرچمدار این دعوی بوده و در مراحل مختلف آن را اعلام داشته است. بر اساس مادهٔ ۱۰ این قانون که اصلی‌ترین حامی آزادی قراردادهاست «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف قانون نباشد نافذ است». ویژگی این ماده اطمینانی است که در طرفین یک قرارداد ایجاد می‌کند و آنان مادام که تصمیمی مخالف قانون اتخاذ نکرده باشند می‌توانند در خصوص قرارداد آتی خود تصمیم گرفته و شروط آن را انتخاب و یا محتوای آن را تغییر دهند، بدون اینکه واهمه‌ای از سرنوشت آن در مرحلهٔ دادرسی داشته باشند (عرفانی، ۱۳۷۱: ۲۳).

اگرچه عبارت مادهٔ فوق ارزش آزادی قراردادها را در حقوق ایران به‌خوبی بیان کرده و جایگاه آن را در حقوق قراردادها می‌رساند، ولی مفهوم آن با آنچه در نظریه‌های فردگرایانه موجود است متفاوت بوده و از آن به هیچ‌وجه بی‌نظمی، اجحاف و استثمار به ذهن متبادر نمی‌شود. این بدان دلیل است که همواره عنصری فراتر از آن، که همان قانون است، وجود دارد که هر جا ضرورت داشت مانع آن شده و از تحقق نتایج غیرمعقول و مخالف عدالت و امنیت جلوگیری می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷٦، ص۱٤٥).

www.SID.ir

Arshive of SID

به نظر می‌رسد با اینکه در اسلام آزادی اراده در قراردادها حاکمیت دارد، ولی قول مشهور به این اصل تمایل نشان نمی‌داد و حتی بسیاری از شروط ابتدایی ضمن عقد را هم معتبر نمی‌دانستند، همچنین قولنامه‌هایی را که در ضمن عقد گنجانده نشده باشد نیز لازم‌الاتباع نمی‌دانند. در نتیجهٔ همین طرز تفکر، مادهٔ ۱۰ قانون مدنی وضع شده است تا تردید را از میان بردارد. در واقع مادهٔ ۱۰ قانون مدنی ایران مغایرتی با ضوابط شرعی ندارد زیرا :

۱- نص صریحی که حاکی از منع قرارداد در خارج از چارچوب عقود معین باشد وجود ندارد، بنابراین در صورت تردید در صحت این نوع قراردادها چون شک در تکلیف از باب شبههٔ حکمنه تحریمیه به علت فقدان نص است لذا اصل برائت را می‌توان در این خصوص اعمال کرد و عدم ورود منع را کافی بر جواز دانست.

۲- در صورت تردید در حلیت یا حرمت یک امر اصل اباحه که اصلی عقلی است حاکم است و در قرارداد خارج از عقود نیز اگر تردید کنیم که این قرارداد حرام است یا حلال اصل اباحه آن است.

۳- در حقوق اسلام و در فقه شیعه عقود رضایی هستند نه تشریفاتی و در اصل رضایی‌بودن عقود که پذیرش جنبه‌ای از اصل حاکمیت اراده است تردیدی بین فقها وجود ندارد.

٤- فقها عقود را تابع قصد متعاقدین می‌دانند و اینکه پذیرفته‌اند «القعود تابعه للقصود» خود جلوه‌ای از قبول و اعتبار استقلال اراده در قراردادهاست.

۵- عموم آیهٔ شریفهٔ «المؤمنون عند شروطهم» نیز وفا به شرط را به صورت مطلق موردنظر دارد و اگر شرطی در ضمن عقد آورده نشود باز هم مشمول حکم مزبور است. البته شرطی که خلاف شرع و کتاب الله نباشد.

٦- آیهٔ شریفهٔ ۲۹ از سوره نساء: «لا تا کلوا اموالکم بینکم بالباطل ...» که نظر به حرمت اکل مال به باطل و حلیت تراضی در تصرف اموال یکدیگر دارد.

www.SID.ir

Arshive of SID

با این ترتیب و با توجه به دلایل مذکور این حقیقت روشن می‌شود که تراضی اساس تکون هر نوع قراردادی است که صراحتاً با شرع و ضوابط شرعی مغایرت نداشته باشد و هیچ دلیلی بر بطلان این قرارداد در شرع ملاحظه نمی‌شود. مضافاً به اینکه ضوابط شرع اسلام برای آسایش مردم وضع شده است نه برای گرفتارکردن آنها.

از جمله اثرات مهمی که این اصل قانون مدنی می‌تواند بر انعقاد قراردادها بگذارد موارد زیر است:

الف. وقتی طرفین با رعایت قانون و به طور آزاد قراردادی را منعقد کردند باید به آثار و لوازم آن نیز ملزم باشند.

ب. وقتی طرفین با تراضی و طیب خاطر عقدی را منعقد کردند به آثار آن ملزم و پایبند هستند و حق ندارند به دلایل واهی و شخصی از اجرای آن خودداری کرده و یا بدون دلیل برای رهایی از اجرای قرارداد به دستگاه قضایی متوسل شوند. این اصل در فقه اسلامی هم به شدت حمایت شده و لزوم اجرای تعهدات و وفای به عهد به کرات مورد تأکید قرار گرفته است.

ج. داشتن آزادی به این معنی است که اشخاص می‌توانند در عقود غیرمعین بدون رعایت تشریفات و یا عناوین مشخص قرارداد خود را انتخاب و منعقد کنند و در عقود معین نیز پس از رعایت تشریفات شکلی آن به همان صورت رفتار کنند.

د. اشخاص در انتخاب طرف قرارداد خود نیز آزادی دارند و ملزم به عقد قرارداد با اشخاص معینی نیستند مگر در موارد خاص و استثنایی.

هـ آزادی افراد در ایجاد الزام قراردادی فقط مربوط به شخص ایشان است و به هیچ وجه به معنی آزادی ایشان در ملزم‌کردن اشخاص ثالث نیست. به همین جهت مادهٔ ۲۱۹ ق.م. هر عقدی را فقط بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع می‌داند. (کاتوزیان، ۱۳۷٦)

با درنظرگرفتن این اصل از قانون مدنی (مادهٔ ۱۰) می‌توان قرارداد فی‌مابین طرفین را در صورتی که برخلاف شرع و جهات شرعی و قانونی نباشد منعقد کرد و اصل آزادی قراردادها همواره این راه را گسترده‌تر کرده تا بتوان به نقش و تأثیر توافق دو

www.SID.ir

Arshive of SID

طرف در انعقاد یک قرارداد جدید را به‌وضوح مشاهده کرد و بنابراین اصل مبنای مشروعیت قانونی بازتوزیع مازاد صندوق تکافل بر اساس آزادی و استقلال طرفین مجاز است.

۸. نتیجه‌گیری

تکافل و بیمهٔ مرسوم در واقع شیوه‌هایی برای پوشش خطر (ریسک) و زیان هستند. البته این دو تفاوتهایی نیز با هم دارند که از جملهٔ این تفاوتها (که مرتبط با بحث مدیریت ریسک است) این است که در تکافل که بر اصل تعاون استوار است، همهٔ اعضا هم بیمه‌گذارند و هم بیمه‌گر. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عملیات تکافل این است که شرکت، پذیرندهٔ ریسک نیست. در واقع در تکافل مشتریان بیمهٔ توافق می‌کنند تا با تجمیع سهمهای پرداختی، دیون هر کدام از افراد نیازمند را پرداخت کنند و همچنین صندوق تکافل موظف است در سال پس از کسر تمامی هزینه‌ها، اگر سودی عاید این صندوق شد این مقدار را به نسبت سهام به بیمه‌گذاران پرداخت کند. بر اساس مبنای حقوقی توانستیم با استنباط از مادهٔ ۱۰ قانون مدنی یعنی همان اصل آزادی قراردادها جهت مشروعیتی برای بازپرداخت مازاد صندوق تکافل را بیابیم با درنظرگرفتن این اصل از قانون مدنی (مادهٔ ۱۰) می‌توان قرارداد فی‌مابین طرفین را در صورتی که برخلاف شرع و جهات شرعی و قانونی نباشد منعقد کرد و اصل آزادی قراردادها همواره این راه را گسترده‌تر کرده تا بتوان نقش و تأثیر توافق دو طرف در انعقاد یک قرارداد جدید را به وضوح مشاهده کرد و بنابراین اصل مبنای مشروعیت قانونی بازتوزیع مازاد صندوق تکافل بر اساس آزادی و استقلال طرفین مجاز است.

منابع

۱. آقامهدوی، ا.، ۱۳۸۸. بررسی فقهی الگوهای عملیاتی بیمهٔ اسلامی (تکافل) از نظر فقه امامیه. *جستارهای اقتصادی*، سال ۱۲، شمارهٔ ٦، صص ۱۲۱ –۱٤۸.

۲. ابراهیمی، م.ح.، ۱۳۷۵. *بیمه و تأمین اجتماعی از نظر اسلام*. تهران : انتشارات کویر.

www.SID.ir

Arshive of SID

۳. توحیدی‌نیا، ا.، ۱۳۸٦. تکافل و اهمیت توجه بیشتر به آن در ایران. *فصلنامهٔ صنعت بیمه*، شمارهٔ ۸۸

٤. توحیدی‌نیا، ا. و سیفلو، س.، ۱۳۸۷. تکافل و اهمیت توسعه آن در صنعت بیمه کشور. *نخستین کنفرانس ملی بررسی فضای کسب‌وکار صنعت بیمهٔ کشور*، پژوهشکدهٔ بیمه.

۵. جعفر، س.، ۱۳۸۹. *بیمهٔ اسلامی: روندها، فرصت‌ها و آیندهٔ تکافل*. ترجمهٔ حمیدرضا اسمعیلی گیوی و علیرضا ناصرپور (ترجمه‌شده به سفارش پژوهشکدهٔ بیمه).

٦. جمالی‌زاده، ا.، ۱۳۸۰. *بررسی فقهی عقد بیمه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۷. راه‌چمنی، ا.، ۱۳۸۷. تکافل؛ نفع مشترک. *فصلنامهٔ بیمهٔ آسیا*، شمارهٔ ٤٦.

۸. عبدالملکی، ح.ا.، ۱۳۹۲. *الگوی تکافل در پوشش ریسک و بیمه*. پژوهشکدهٔ بیمه، چاپ اول.

۹. عرفانی، ت.، ۱۳۷۱. *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*. تهران: انتشارات کیهان.

۱۰. عسگری، م.م. و اسمعیلی‌گیوی، ح.ر.، ۱۳۸۷. تحلیل نظری ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافل و بیمه‌های متعارف. *فصلنامهٔ اقتصاد اسلامی*، سال هشتم، شمارهٔ ۳۲، صص ٦۳-۹۱.

۱۱. کاتوزیان، ن.، ۱۳۷٦. *حقوق مدنی (قواعد عمومی قرارداد)*. ناشر شرکت سهامی انتشار، جلد اول.

۱۲. محمدی‌مهر، م.ح.، ۱۳۸۵. *بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام*. پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد پیوسته رشتهٔ معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).

۱۳. . مطهری، م.، ۱۳٦۱. مسئلهٔ ربا به ضمیمهٔ بیمه. تهران: انتشارات صدرا.

۱٤. مطهری، م.، ۱۳٦٤. *ربا، بانک، بیمه*. تهران: انتشارات صدرا.

۱۵. ناطق گلستان، ا. و غیور باغبانی، س.م.، ۱۳۸٦. بررسی تحلیلی مبانی نظام بیمهٔ تکافل در اسلام: ویژگیها، اهداف و الگوها. *فصلنامهٔ دین و اقتصاد*، سال ۲، شماره‌های ۷ و ۸، صص ٤۹-۳۸

www.SID.ir

Arshive of SID

16. Akhter, W., 2009. Takaful models and global practices. *COMSATS Institude of Information Technology*, Lahore, pp. 54-60

17. Jaffer, S. (Ed.)., 2007. *Islamic insurance: trends, opportunities and the future of takaful*. Linnius.

18. Lewis, M.K., 2003. Challenges to the takaful industry. *New Horizon*, 132, pp. 10-14.

www.SID.ir